

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، ویژه علوم اجتماعی

مفهوم‌شناسی سبک زندگی انسان منتظر

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۱۶

رباب جباران*

چکیده

هر انسانی در زندگی خود هدفی را انتخاب می‌کند و سعی می‌کند تا تمام تلاش‌ها و سختی کشیدن‌هایش در مسیر رسیدن به آن هدف قرار گیرد و این باعث می‌شود که زندگی انسان معنادار شود و ارزش پیدا کند.

در چشم انداز مهدویت، بهترین هدفی که آدمی می‌تواند برای زندگی خود در نظر بگیرد و در راستای تحقق آن تلاش کند، همان عبودیت خداوند است و برای رسیدن به این هدف و تحقق آن در زندگی خداوند راهی را به انسانها معرفی کرده و آن حجت‌های الهی و امامان معصوم(علیهم السلام) هستند که اراده‌ی خداوند را تحقق می‌بخشند و برای قرب به خدا تنها راه محسوب می‌شوند، در واقع پس از آنکه ما در مسیر ولایت خداوند قرار گرفتیم، از طاغوت‌ها و بیراهه‌ها جدا شده‌ایم.

ما باید امام عصر و زمان خود را بشناسیم و با او همراه شویم و اکنون که امام زمان ما در غیبت به سر می‌برند و ما منتظر ظهور ایشان هستیم زندگی خود را باید آنگونه که شایسته‌ی یک انسان منتظر است قرار دهیم لذا سؤال اصلی این مقاله این است که (مفهوم سبک زندگی یک انسان منتظر چیست؟) و برای دستیابی به پاسخ این سؤال معنای سبک زندگی و انتظار از دیدگاه نظریه پردازان و همچنین آیات و روایات بیان شده و با تلفیق این دو سبک زندگی انسان منتظر استخراج شده است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، انتظار.

* دانش‌آموخته ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

سبک زندگی به عنوان یکی از مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار و معنا (نگرش، ارزش و هنجار) اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت و هویت، خلاقیت تولید، مصرف، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز، منزلت و مشروعیت دارد، بی‌گمان با شناخت این روابط، می‌توان درک درستی از مفهوم «سبک زندگی» و نظریه‌های مربوط به آن به دست آورد، بر این اساس هر محقق و پژوهشگری که مشتاق مطالعه در این حوزه می‌باشد، باید ابتدا معنای دقیق سبک زندگی را بفهمد و سپس رابطه‌ی آن را با این مفاهیم تبیین کند. (هندری و دیگران؛ ۱۳۸۱:۲۲۸).

در این بخش مروری داریم بر مهم‌ترین نظریه‌های موجود درباره سبک زندگی:

- ماکس وبر

سبک زندگی در قالب پایگاه و گروه منزلتی معنا پیدا می‌کند به این ترتیب یک سبک زندگی معین بر همه اعضای یک گروه منطبق است و نه فقط بر یک فرد. به عبارت دیگر از نظر و بر دلیل اصلی برای نوع خاص از سبک زندگی به نیاز گروهی از جامعه برای تایید اعتبار موجودیت (جداگانه) خویشتن برای خود و دیگران باز می‌گردد. (هندری و دیگران؛ ۱۳۸۱:۲۲۹).

وبر در مورد رابطه افکار (نظام‌های معنایی و از جمله دین) منافع و کنش (از جمله سبک زندگی) معتقد است همیشه افکار مستقیماً کنش‌ها را تعیین نمی‌کنند بلکه این منافع است که بیشتر افکار را با شرایط ساختاری پیوند می‌دهد و شکل‌گیری رفتار فرد به

آن تعیین می‌بخشد البته این منافع تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیستند بلکه دین نیز می‌تواند در شکل‌گیری آن نقش ایفا کند. در واقع اهمیت افکار در این است که بر ادراکات آدمیان و بر تفسیرهایی که آنان درباره منافعشان دارند تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب آن منافع را به مسیر کنش‌های مربوط هدایت می‌کنند. (تامپسون؛ ۱۳۸۱؛ ۱۰۱).

سبک زندگی بیشترین نقش را در تعیین فرصت‌های کسب احترام بازی می‌کند به عبارت دیگر سبک زندگی در ترکیب با الگوهای مصرف در تجزیه و تحلیل از نوع وبر به ابزاری تبدیل می‌شود که به مدد آن می‌توان، افتخار، اعتبار و پایگاه اجتماعی را شناخت و تأیید کرد. (هندری و دیگران ۱۳۸۱؛ ۲۲۹). همچنین وی در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، جامعه‌شناسی دین و ... تلاش می‌کند، پیوندی میان مفهوم سبک زندگی و چارچوب تحلیلی پیچیده سه عنصری خود (رفتارها، تمایلات و منافع) برقرار کند، بر اساس این الگو، رفتارها، انتخاب‌ها رادر زندگی نشان می‌دهند، تمایلات این انتخاب‌ها را هدایت می‌کنند و منافع به عامل ساختاری زندگی مربوط می‌شوند، عاملی که بستر بروز یک رفتار را فراهم می‌آورد. (همان؛ ۲۳۱)

- گئورگ زیمل

هر نوع تعامل میان انسانها و همچنین میان انسانها و محیطشان توسط دو نیاز هنجاری متناقض هدایت می‌شود. نیاز به یافتن شخصیتی بی‌همتا و نیاز به شناختی اجتماعی از این بی‌همتایی. فرد این شخصیت بی‌همتا (فردیت برتر) را در فرهنگ ذهنی خود می‌جوید و شناخت اجتماعی از آن را در فرهنگ عینی. به بیان دیگر تلاش می‌کند ارزش‌های بنیادین خود را در فرهنگ عینی جستجو کند.

از نظر زیمل، سبک تجسم همین تلاش است، در واقع انسان صورت‌هایی را برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر) برمی‌گزیند، این گزینش حاصل توازنی است میان

معنای مورد نظر خود (فردیت برتر) برمی‌گزینند، این گزینش حاصل توازنی است میان شخصیت ذهنی فرد و زیست محیط عینی و انسانی‌اش و توان انجام چنین گزینشی سلیقه و به این شکل به هم مرتبط سبک می‌گویند (زیمل، ۱۹۸۰؛ ۳۱۴). وی معتقد است سبک این توان را دارد که محتوای متعددی را در شکل‌های به هم مرتبط بیان کند (زیمل، ۱۹۹۰؛ ۴۷۳).

او سبک را معادل صورت قلمداد نمی‌کند، در واقع سبک مبین یک رابطه است، رابطه‌ای میان ذهن و عین، یا به بیانی؛ عینیت بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است، نوعی بیان فردیت برتر در قالبی است که دیگری یا دیگران این یکتایی را درک کنند. (همان؛ ۴۶۷).

سبک یعنی مجموعه‌ای متشکل از شکل‌ها در ارتباط با محتوا (هنجارهای اجتماعی و ...) که خود حاصل توسعه و تحول فرهنگ عینی به فرهنگ ذهنی است. از این‌رو به قول زیمل رابطه میان فرهنگ ذهنی و عینی (شخصیت و فرهنگ) اهمیت زیادی برای هر جامعه، به خصوص در شکل‌گیری سبک زندگی دارد. (همان).

مطالعه سبک زندگی بدون درک ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر صورت و روش زندگی امکان‌پذیر نیست، آنچنان که بدون درک روحی که بر آنها یعنی فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی مسلط است امکان ندارد.

زیمل معتقد است هر سبکی مبین توسعه هنجارهایی است که زندگی را به عنوان یک کل بیان می‌کند. (زیمل، ۱۹۹۰؛ ۴۶۳) با بهره‌برداری از تشبیه سبک به زبان در این خصوص می‌توان گفت هر سبک مانند هر گفتار یا متنی می‌تواند به عنوان جهانی خود بسنده تلقی شود - یا به بیان الفرد شولتز جهانی مستقل از دیگر جهان‌ها - این چنین است که زندگی در هر زمان خود را در اشکال متعدد می‌نماید و انسانها از این اشکال متعدد زندگی‌های متعدد پدید می‌آورند. با این بیان می‌توان تفاوتی را که زیمل میان

«صورت»، «شیوه» و «سبک» قائل بود چنین بازسازی کرد: انسان با توجه به انگیزه‌های درونی با محیط تعامل می‌کند و به کنش می‌پردازد، هر کنشی دارای صورتی است که معنای آن در ذهن کنشگر قرار دارد، چارچوبی که فرهنگ اجتماعی برای انگیزش‌های فردی فراهم می‌کند و کنش در محدوده آن امکان بروز می‌یابد، «شیوه زندگی» است. (زیمل، ۱۹۹۰؛ ۴۶۳)

سبک زندگی کل به هم پیوسته‌ای از صورتهایی است که فرد یا افراد یک اجتماع حسب انگیزه‌های درونی (سلیقه) خود و به واسطه تلاش که برای ایجاد توازنی میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی‌شان به انجام می‌رسانند برای زندگی خود برمی‌گزینند. از نظر زیمل سبک زندگی، همان فرهنگ است اما فرهنگ در محدوده زمان و فضای یک فرد یا یک اجتماع.

همچنین در ادامه زیمل ویژگیهایی را برای سبک زندگی بر می‌شمارد که عبارتند از:

۱. سبک تعبیری جامع از دو نیاز هنجاری افراد، به بیانی اجتماعی از بی‌همتایی شخصیت خودشان است، جوهره شخص پوشاندن شخصیت افراد می‌باشد.

۲. با توجه به تأثیرپذیری زیمل از مبحث زیبایی‌شناسی، او معتقد است سبک و هنر، اثری دوگانه دارند، از یک سو با قرار دادن واقعیت‌ها در قالب‌هایی که ذهن ما امکان برقراری رابطه با آنها را دارد، عینیت‌ها و واقعیت‌های خارجی را به ذهن ما نزدیک‌تر می‌کند و از سوی دیگر باعث پیدایش فاصله‌ای از حالت بی‌واسطگی اشیا می‌شود و در هر برهه‌ای از زندگی جمعی خود تلاش می‌کند فردیت برتر خود را با بهره‌گیری از امکانات محیطی ابراز نماید. اگرچه آغاز این تلاش در لایه‌های داخلی‌تر زندگی نیز جلوه‌گاه این تلاش می‌شود و پیامد آن تلاش‌های فردی و در سطح اجتماعی نمایشگاهی از سبک‌های متعدد را پدید می‌آورند. (همان، ۴۶۸).

- توریستین وبلن

وبلن به صورت مستقل به مفهوم سبک زندگی نپرداخته اما در آثار خود از این اصطلاح به عنوان مبنایی برای تحلیل خود بهره برده است.

وبلن پایگاه فرد را در ابعاد اقتصادی تعیین کننده عادات فکری و رفتاری اش می داند از این رو از نظر او، در یک فرهنگ رقابتی افراد تلاش می کنند به مراتب بالاتری از این شأن و منزلت دست یابند.

از نظر وی گروه های دارای منزلت بالا با سبک های زندگی شان شناخته می شوند اصل و پایه منزلت در واقع همان دستاوردهای اقتصادی است.

او در بررسی زندگی طبقه بورژوا معتقد است افراد این طبقه با شیوه تغذیه، پوشاک و مسکن خویش می خواهند نشان دهند که نیازی به کار کردن ندارند و اوقاتشان به فراغت می گذرد. (وبلن؛ ۱۸۹۹).

او تحت رفتارهای مصرفی این طبقه که آنها را طبقه تن آسا نامیده، سبکی را شناخته که آن را مصرف خود نمایانه یا چشمگیر نامیده است کارکرد مصرف خودنمایانه، ممانعت از تحرک و دسترسی دیگران به سطوح بالاتر منزلت اجتماعی است، منظور از مصرف خودنمایانه سبکی است برای مصرف بی فایده که فراگیری آن به سالها وقت نیاز دارد.

این نظریه چون تنها به بعد اقتصادی در تعیین سبک زندگی اشاره کرده است و هیچ اشاره ای به بعد ارزشی آن نکرده است لذا نمی تواند مبنای نظری این تحقیق قرار گیرد.

- آلفرد آدلر

فرد بنا بر فردیت تامش، درک خاص خود را از جهان می یابد و معنای خاصی به زندگی می بخشد و هدف ویژه ای را برمیگزیند و با اتکا به خلاقیت مخصوص، خود راه

ویژه‌ای را برمی‌گزیند و برای دستیابی به آرمان خود همه توانش در این راستا را بسیج می‌کند و در نتیجه به وحدت در زندگی روانی خود دست می‌یابد. آدلر این وحدت روانی را شخصیت (منش، خو) و به تعبیر خاص او، سبک زندگی فرد می‌نامد. (آدلر، ۱۹۶۱؛ ۹۱).

مفهوم سبک زندگی، تجسم کامل فردنگری در روانشناسی فردی است، سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی، همه فرایندهای عمومی زندگی تحت امر کلی به نام «سبک زندگی» قرار دارد. (آدلر، ۱۹۵۶؛ ۱۹۱)

آدلر معتقد است که سبک زندگی عمدتاً در سالهای اولیه زندگی در انسان بنیاد نهاده می‌شود. سالهایی که کودک با توانایی‌ها و محدودیتهای وراثتی خود با محیط پیرامونش آشنا می‌شود. به این ترتیب از نظر او سبک زندگی نه موروثی است و نه کاملاً وابسته به محیط. او سبک زندگی را بیش از هر چیز خلاقیتی می‌داند که حاصل کنار آوردن با محدودیتهای، موانع تضادها و بحران‌هایی است که فرد در مسیر پیشرفت به سوی آرمانش بروز می‌دهد. او سبک زندگی را با رفتار یکسان نمی‌داند بلکه سبک زندگی را هدایتگر رفتار می‌داند و رفتار نیز شامل افکار، احساسات (رفتار درونی) و کنش‌ها (رفتار آشکار) اعم از خودآگاه و ناخودآگاه است. (آدلر، همان).

او رفتار را نماد سبک زندگی می‌داند چراکه معتقد است، سبک زندگی همه رفتارهای انسانی را در یک جهت واحد هدایت می‌کند.

طبق دیدگاه آدلر سبک زندگی فرد، کاملاً فردی می‌باشد که برآمده از خلاقیت وی می‌باشد. البته ارزشها نیز در شکل‌گیری سبک زندگی دخیل است اما مراد از ارزش، ارزش‌های اجتماعی است که برآمده از ذوق و سلیقه افراد است.

- بورديو

بورديو معتقد است سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارد، به فرد هویتی نمادین می‌بخشد و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کند، معنا و ارزش این فعالیت‌ها (مصرف و سبک زندگی) به موقعیت آن در نظام تضادها و ارتباطات بستگی دارد. (بورديو، ۱۹۸۴؛ ۱۷۶).

خلاصه دیدگاه بورديو این است که افراد و گروه‌ها در یک جامعه دارای موقعیت‌های متفاوت و متمایزی هستند، فرد یا گروه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن یک نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود پدید می‌آورند. این نظام مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخاب‌ها را در ذهن فرد یا افراد تولید می‌کند که معناهایشان از خلال روابط و تضادهایشان درک می‌شود، به عبارت دیگر معناهایشان ذاتی نیست بلکه رابطه‌ای است. این ترجیحات و انتخاب‌ها وقتی در محدوده توانایی‌ها و ناتوانی‌های اقتصادی و نمادین در قالب کنش‌ها و دارایی‌ها بروز می‌یابد «سبک‌های زندگی» متمایز را پدید می‌آورد.

و به بیان دیگر نظام اجتماعی بازتولید می‌شود، بورديو این تفاوت‌ها و تمایزها را در قالب نظام طبقاتی و نزاع بر سر فرهنگ مشروع قابل فهم می‌داند. (بورديو؛ ۱۹۸۴؛ ۵-۱۷۴)

به این ترتیب سبک زندگی اول فرصتی است برای تجربه یا اثبات موقعیت فرد در فضای اجتماعی، دوم سبک زندگی حاصل نظام طبقاتی اجتماعی است، نظامی که به طور مستمر ضرورت‌ها را به راهبردها تغییر شکل می‌دهد و آنها را به ترجیحاتی بدل می‌کند که فرد بدون آنکه تحمیلی حس کند آنها را به عنوان گزینه‌های پیش‌روی خود تلقی می‌کند، این گزینه‌ها همان سبک‌های زندگی است، به همین دلیل معناهای سبک‌های زندگی از همین نظام اخذ می‌شود، نظامی که حاوی تضادها و روابط میان اجزا و موقعیت‌های مختلف اجتماعی است. (بورديو، ۱۹۸۴؛ ۱۷۵)

- گیدنز

گیدنز می‌گوید: «سبک زندگی» را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌کنند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده در برابر دیگران متجسم می‌سازد. (گیدنز، ۱۳۸۸؛ ۱۲۰)

جمع‌بندی مباحث

با توجه به این مباحث نظریه‌ی وبر را می‌توان به عنوان مدل پایه در نظر گرفت و دیگر مدل‌ها از جمله نظریه‌ی زیمل تعبیری از آن می‌باشند در واقع مدل وبر مدل کنش به معنای عام است که آن در بحث سبک زندگی استفاده می‌شود بر اساس این مدل تعامل تمایلات و منافع، کنش یا به تعبیری انتخاب‌های فرد یا جمع را پدید می‌آورد که به الگو یا مجموعه‌ی حاصل از آن سبک زندگی می‌گوییم.

بررسی نظریات سبک زندگی از منظر اندیشمندان اسلامی

آقای جوادی آملی، تعامل متقابل میان رخدادهای نظام هستی با کارها و اخلاق مردم یکی از اصول تعیین کننده‌ی رابطه‌ی انسان با محیط است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۶۰)

همچنین ایشان با توجه به آیات ۶۵ سوره ذاریات و ۶۱ سوره هود می‌گوید خداوند راه‌های عبودیت را به بشر آموزش داده و همچنین راه‌های آبادانی زمین را به او آموخته و این علم چون از طرف خداوند است و دارای هدف می‌باشد، آبادانی زمین نیز به تعامل همه جانبه انسان با خود، هموعان، نظام اسلامی، حیوان، محیط زیست و احیای منابع حیاتی آن ممکن می‌شود؛ اموری مثل تلاش و کوشش-بهداشت و خدمات عمومی- عبادت-آبادانی و مسافرت، مصداق‌های آن می‌باشند.

«بدن، لباس‌ها، طرز بیان فراغت، ترجیحات خوردن و نوشیدن، خانه، اتومبیل، انتخاب محل برای تعطیلات و... به عنوان شاخص‌های سبک زندگی به حساب می‌آیند.» (ربانی، ۱۳۸۷، ۴۵)

مفهوم انتظار از منظر اسلام

«انتظار» چشم داشتن، توقع و چشم به راه بودن است (دهخدا، لغت نامه، واژه انتظار) انتظار فرج، امید به گشودن گره‌ها و باز شدن راه‌ها، جهت رسیدن به حکومت گسترده عدل الهی و برخورداری از نعمت‌های گوناگون خداوندی است.

انتظار ظهور نجات بخش و تشکیل حکومت عدل جهانی و رسیدن به آزادی‌های فطری اتصال به منافع قدرت مادی و غیر مادی از جمله اموری است که آرامش و توان می‌بخشد و انسان را در برابر مشکلات و سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقاوم می‌سازد و از هضم شدن در فرهنگ بیگانگان باز می‌دارد.

پس انتظار فرج ت به دست آوردن فضیلت‌ها و رسیدن به کمال و ایجاد مدینه فاضله‌ای است که همه انبیاء و اوصیاء و اولیای الهی آن را نوید داده‌اند. (زمانی، اندیشه انتظار، ص ۶۳).

اسلام برای پویایی نظام اجتماعی خود، همواره روحیه امید را در انسانها دمیده و آنان را به امیدواری تشویق کرده است، قرآن کریم ناامیدی از رحمت الهی را از ویژگی‌های کافران برشمرده است.

از زبان حضرت یعقوب چنین نقل می‌کنند: «یا بُنَّی اذهبو فتحسَّسوا من یوسف و اخیه و لا تیاَسوا من روح الله» پسرانم بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خداوند مأیوس نشوید، زیرا تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند. (یوسف/۱۲)

بنابراین امید عاملی است که مادر را به شیردادن فرزند سوق می‌دهد و باغبان را به کاشتن درخت و می‌دارد، پس امید عامل حرکت و پویایی است، چراکه نگاه به گذشته نوعی واپس‌گرایی است و نگاه به حال نیز موجب ایستایی و سکون می‌شود و تنها نگاه به آینده است که به انسان امید می‌بخشد.

در روایتی آمده است که روزی حضرت عیسی علیه السلام درحالی که به پیر مردی که مشغول کشاورزی بود می‌نگریست به خداوند عرض کرد، خداوندا امید را از دل او بگیر! در این هنگام پیرمرد بیل را کنار گذاشت و بر روی زمین نشست پس از مدتی حضرت عیسی به خداوند عرض کرد، خداوندا امید را به او برگردان! ناگهان کشاورز برخاست و کارش را از سرگرفت، حضرت عیسی علیه السلام نزدیک رفت و ماجرا را از وی پرسید، پیرمرد گفت: مشغول کار کردن بودم که با خود فکر کردم تا کی می‌خواهی کار کنی؟ از این‌رو بیل را کنار گذاشتم و خوابیدم، اندکی بعد با خود گفتم به خدا سوگند که تا زنده‌ای باید زندگی کنی از این‌رو برخاستم و دوباره بیل را به دست گرفتم. (به نقل از کتاب بررسی کارکردهای اجتماعی) یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های سالم امیدواری به آینده است، از این‌رو اعتقاد به مهدویت و انتظار حضرت مهدی علیه السلام در پی امیدبخشی به بدنه جامعه اسلامی است که در پرتو این امیدواری به آینده‌ای روشن، همواره منتظران از شخصیتی سالم برخوردارند، یکی از کارکردهای اجتماعی - تربیتی، انتظار حضرت مهدی علیه السلام گسترش امید و روحیه امید بخشی در جامعه است (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸، ۲۶)

در مکتب اسلام برای انتظار آثار و برکاتی ذکر شده است یعنی این انتظار کشیدن برای شخص منتظر دارای برکاتی است که همه این آثار و برکات را می‌توان در یک کلمه جامع خلاصه کرد و آن کلمه «فرج» است، این تعبیر در یک حدیث شریف از حضرت زین‌العابدین علیه السلام، نقل شده است. «انتظار الفرغ من أعظم الفرغ» انتظار فرج از بزرگ‌ترین فرج‌هاست. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ ع ۴)

همین بیان از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «من عرف هذا الأمر، فقد فرج عنه لأنتظاره» کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد به سبب انتظار کشیدن آن، برایش گشایش حاصل می‌شود. (اصول کافی، کتاب الحجۃ باب أنه من عرف امامه...، ح ۳).

بنابراین طبق فرمایش پیشوایان، هر شخص منتظری، همین انتظارش برای او فرج می‌باشد، بلکه می‌توان گفت که: پس از فرج امام عصر علیه السلام که بزرگ‌ترین فرج‌ها برای همه مومنان است. بالاترین فرج جزئی، برای هر شخص منتظر همین انتظار اوست. (سیدمحمد بنی‌هاشمی، سلوک منتظران)

انتظار به دوگونه تفسیر شده است:

۱- انتظار سازنده و پویا

انتظاری که جامعه و فرد را به تحرک و سازندگی و تعهد آفرینی وادار می‌کند و امروزش را نسبت به دیروزش متفاوت نماید، این انتظار مثبت است، در مکتب ارزشمند اسلام کسی که دو روزش مساوی باشد مغبون شمرده شده و آن کسی که روز بعدش نسبت به روز پیشین بدتر باشد ملعون و مطرود است، پیشوایان معصوم علیهم السلام گفته‌اند: «و من كان في نقص فالموت خير له» کسی که آینده خود را از گذشته بهتر نبیند مرگ برای او اولی و برتر از زندگی است. (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۲، ج ۵۸۳۳).

حال با چنین فرهنگی افراد و جامعه‌ای که بخواهد برای گسترش عدل به پاخیزد و آن را جایگزین محرومیت‌ها و تجاوزها و ستم‌ها نماید باید تلاشی خستگی ناپذیر و حرکتی مداوم را دنبال کند و در برابر همه ناپاکی‌ها و کج روی‌ها بایستد، زشتی‌ها و منکرات را دفع کند و قیامتی خداپسندانه داشته باشد، این انتظار زمینه اجرای عدالت قائم آل محمد را فراهم می‌سازد.

۲- انتظار مخرب

این نوع انتظار در مقابل انتظار مثبت است برداشتی غلط و غیر منطقی از روایات که گمان می‌شود باید شرارت و زشتی و تبهکاری همه جا را فرا گیرد و نقطه امید و مثبتی در جهان باقی نماند، ظلم و بی عدالتی و فساد زیاد شود، حتی یک نفر هم دنبال خوبی‌ها و اصلاح و شایستگی نرود، محاسن و اعمال نیک به صفر برسد، آنگاه حجت خدا از پرده غیبت به در آید و همه چیز را دگرگون کند، که با چنین برداشتی اشاعه فحشا و فساد و رویکرد به تباهی و سیاه بختی فردی و جمعی، کمک به ظهور خواهد کرد و یا اینکه باید در برابر همه اتفاقاتی که پیرامون ما می‌افتد سکوت کنیم، با چنین اندیشه‌ای حرکت اصلاحی همه مصلحان و آزاد اندیشان و انبیاء و صلحا زیر سوال خواهد رفت و کار آنها به جای آنکه مورد حمایت و تشویق قرار گیرد مورد مذمت و سرزنش قرار خواهد گرفت و باید همه حدود و مقررات اسلامی و انسانی که به نوعی در شایستگی اخلاق بشری نقش دارد و موجب آرامش و اطمینان و بهداشت روان بشریت می‌گردد تعطیل شود این برداشت، برداشتی کاملاً غلط است و با موازین اسلامی و انسانی و یا هیچ یک از ادیان آسمانی سازگاری ندارد البته باید گفت که تنها کسانی سراغ چنین تفسیری می‌روند که یا عناد دارند و یا بسیار کوتاه نظرند و مستکبران آن را ادامه می‌دهند تا به غارتگری خود ادامه دهند و یا برای مدتی در سکوت و زندگی بدون درگیری و مبارزه به سر برند و حیات حیوانی خود را دنبال نمایند. (زمانی، اندیشه انتظار، ص ۶۳ تا ۶۷).

مفهوم انتظار از دیدگاه آیات و روایات

مسأله مهمی که همیشه در طول تاریخ پر افتخار اسلام مایه امید مسلمانان و به ویژه شیعیان منتظر بوده است، وعده‌های تخلف ناپذیر الهی در مورد آینده اسلام و پیروزی نهایی مؤمنان و مستضعفان و محرومان می‌باشد.

آیین مبین اسلام از همان آغاز پیدایش خود و حتی از همان نخستین سالهای ظهور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پیوسته مسلمانان را به آینده‌ای درخشان امیدوار ساخته است. مسلمانان و به خصوص شیعیان نیز از همان روزگار بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا به امروز بر اثر همان وعده‌هایی که پیامبر بزرگوار اسلام و به وسیله آیات روح بخش و دلنواز قرآن کریم به آنها داده است، با اعتقادی عمیق و راسخ تمامی آن وعده‌ها را جدی گرفته و علی‌رغم همه مشکلات و مصائبی که در دوران‌هایی مختلف تاریخ اسلام دیده‌اند، هرگز امید خویش را از دست نداده و همواره این اعتقاد اصیل اسلامی را نصب العین خود قرار داده‌اند.

مسلمانان بر اثر وعده‌های صریحی که قرآن کریم به آنها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنت‌های الهی و وعده‌های خدایی به پیش می‌رود و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران و تجاوزگران و بی اعتقادان تمام شود ولی سرانجام حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و ستمکاران و طاغوتیان و زورمداران نابود خواهند شد و بالاخره عدالت و امنیت واقعی بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان برقرار خواهد گردید.

مسلمانان و تمام شیعیان بر اساس این عقیده سازنده، ایمان راسخ دارند که حق امری اصیل و باطل امر عارضی است و هر عارضه‌ای دیر یا زود، سهل یا دشوار از بین می‌رود و خواه ناخواه، در آینده‌ای دور یا نزدیک حق در همه جا حاکم و پیروز می‌شود و باطل و باطل‌گرایان نحو و نابود می‌گردند، زیرا تحقق حق و عدل. سنت خدا و خواست خدا و وعده قطعی خداوند است و خداوند در وعده‌ای که به بندگان صالح خود داده است، تخلف نخواهد نمود. به هر حال از نظر اسلام، قرآن و مسلمانان مسأله انتظار و امید به آینده و حاکمیت مطلق حق در تمام جهان در آخرالزمان، یکی از مسائل حیاتی اسلام است و قرآن کریم با قاطعیت هر چه تمامتر این مسأله را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی

مطرح نموده در کمال صراحت پیروزی نهایی ایمان اسلامی و آینده درخشان آیین پاک محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به مسلمانان نوید داده و جای هیچ گونه شک و تردید و ابهام برای احدی باقی نگذاشته است. (هاشمی شهیدی؛ ۱۳۸۰، ص ۱۹۴).

در این زمینه آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم.

۱- در سوره انبیاء آیات ۱۰۵-۱۰۶ در رابطه با وعده‌ای که خداوند به بندگان صالح و شایسته خود در مورد فرمانروایی آنان بر تمام جهان داده است چنین آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

ما پس از تورات در کتاب تورات چنین نوشتیم که در آینده صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود»

«إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» «در این ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان»

در بعضی از روایات این آیه صریحاً تفسیر به یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام شده است چنانکه در مجمع البیان ذیل همین آیه از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام چنین می‌خوانیم: «هم أصحاب المهدی فی آخرالزمان» بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمان هستند.

در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، قال القائم و أصحابه منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم عَلَيْهِ السَّلَام و یاران او هستند.

علاوه بر روایات فوق که در خصوص این آیه وارد شده است، روایات بسیار زیادی که بالغ به حد تواتر است از طریق شیعه و اهل سنت در مورد مهدی عجل الله فرجه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و همچنین از ائمه نقل شده است که همه آنها دلالت بر این دارد، سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد و مردی از خاندان پیامبر قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد. آنچنان که از ظلم وجود پرشده باشد.

از جمله این حدیث معروف است که در اکثر منابع اسلامی از پیامبر ۹ نقل شده است:

«لؤلؤم یبق من الدنیا الایوم، لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً من اهل بیتی

یملاً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»

« اگر از عمر جهان جز یک روز نماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است» (مکارم شیرازی - تفسیر نمونه)

۲- در سوره نور آیه ۵۵ در مورد وعده خداوند به صالحان و شایستگان چنین آمده

است.

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف

الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم أمناً

یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فأولئک هم الفاسقون»

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان آنها را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل خواهد نمود آنچنان که همگان تنها مرا پرستش کنند و هیچ چیزی را شریک من قرار ندهند و کسانی که بعد از آن کافر شوند از پلیدان و بدکاران خواهند بود.

در این آیه خداوند وعده حکومت روی زمین و تمکین دین، آئین و امنیت کامل را به

گروهی که ایمان دارند و اعمالشان صالح است داده است، اما در اینکه منظور از این گروه

از نظر مصداقی چه اشخاصی هستند در میان مفسران گفتگو است بعضی آن را مخصوص صحابهٔ پیامبر دانسته‌اند که با پیروزی اسلام در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صاحب حکومت در زمین شدند.

بعضی دیگر اشاره به حکومت خلفای چهارگانه نخستین می‌دانند.

بعضی مفهوم آن را چنان وسیع دانسته‌اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که دارای این صفتند می‌دانند.

و گروهی آن را اشاره به حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام گرفته‌اند که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می‌گیرد، آئین حق در همه جا نفوذ می‌کند و نا امنی، خوف و جنگ از صفحهٔ زمین برچیده می‌شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می‌یابد.

بدون شک آیه شامل مسلمانان نخستین می‌شود و بدون شک حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام که طبق عقیدهٔ عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن، سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند، مصداق کامل این آیه است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه)

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه می‌گوید: از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: آنها فی المهدی من آل محمد: این آیه دربارهٔ مهدی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد. (طبرسی مجمع‌البیان، ج ۷)

هم‌چنین از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام چنین نقل شده است که در تفسیر آیه فرمود: «هم والله شیعتنا أهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يدي رجلٍ منّا، وهو مهدى هذه الأمة، يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، وهو الذى قال رسول الله: لو لم يبق من الدنيا إلا يومٌ...»

آنها به خدا سوگند شیعیان ما هستند، خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند. آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد و هم اوست که پیامبر ۹ در حق وی فرموده: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند...» (قرطبی، تفسیر روح المعانی، ج ۷)

۳- در سوره توبه آیه ۳۳ درباره جهانی شدن آیین اسلام و غلبه این دین مبین بر همه ادیان جهان چنین آمده است:

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی دین الحق لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون» او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند، اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند.

۴- در همان سوره آیه ۳۲ در مورد اراده خداوند بر تکامل نور اسلام، چنین آمده است «یریدون أن یطفؤوا نور الله بأفواههم و یأبى الله إلا أن یتیم نوره و لو کره الکافرون» دشمنان می‌خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند ولی خدا می‌خواهد نور خود را کامل گرداند اگرچه کافران کراهت داشته باشند.

۵- در سوره صافات آیات ۱۷۱-۱۷۳ در مورد اینکه خداوند به انبیاء و فرستادگان خود وعده نصرت و غلبه همه جانبه داده است چنین آمده است:

«و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین * إنهم لهم المنصورون * و إن جندنا لهم الغالبون»

«ولی (وقتی قرآن آمد) به آن کافر شدند و زودا که بدانند و قطعاً که فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش رفته است که آنان حتماً پیروز خواهند شد».

از مجموع آیات یاد شده به خوبی استفاده می‌شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار

بشر و همهٔ مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیامت منجی عالم بشر و دوران پرشکوه ظهور مبارک مهدی موعود عجل الله فرجه خواهد بود.

اصل انتظار فرج، از یک اصل کلی اسلامی و آیات کریمهٔ قرآن مجید مایه می‌گیرد و آن اصل حرمت یأس و نومییدی از لطف و رحمت خداوند است.

مسلمانان بر اثر نویدهای قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام 9 و جانشینان معصوم آن حضرت عقیده دارند که در پایان روزگار، خداوند مردی را از دودمان پیامبر اسلام 9 برمی‌انگیزاند که به وسیلهٔ او دین اسلام را آشکار می‌سازد.

و روایاتی در این زمینه وجود دارد که ما قسمتی از این روایات را به عنوان نمونه در این جا می‌آوریم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لو لم یبق من الدنيا إلا یوم لَطَوَّلَ اللهُ ذلک الیوم حتّی یبعث رجلاً منی - أو من أهل

بیتی - بواطی إسمه إسمی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً...»

«اگر از دوام دنیا به جز یک روز بیشتر نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی میگرداند تا مردی از دودمان من - و یا اهل بیت مرا - برانگیزد که هم نام من است او زمین را پر از عدل و داد می‌نماید. همچنان که پر از ظلم و جور شده است...»
(بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴).

در روایت دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: «افضل العبادة، انتظارالفرج»

انتظار فرج برترین عبادت است. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵)

قرن هاست که جبههٔ حق و پیروان عدالت در اقلیت و محرومیت و مظلومیت‌اند ولی

این وضع همیشگی نیست و روز گشایش فرج برای اهل ایمان خواهد رسید.

روزی که با ظهور امام زمان علیه السلام حق غلبه و پیروزی می‌یابد و این تنگناها و مظلومیت‌ها برطرف می‌شود و مؤمنان عزت و اقتدار می‌یابند و ستمگران و مفسدان و جهانخواران، ذلیل و نابود می‌شوند، این احساس، احساسی مثبت و سازنده است.

مسلمانان واقعی باید چشم به راه چنین دورانی باشند و خود را برای آن آماده کند، این انتظار در همه ادیان و اقوام وجود داشته و دارد قرن‌هاست که میلیون‌ها دل بی‌قرار و عاشق چشم به راه آمدن انسانهای بزرگ و الهی از خاندان پیامبرند تا با آمدنش جهان به سامان برسد و عدالت جهانی حاکم شود. (جواد محدثی، زندگی مهدوی)

انتظار فرج محبوب‌ترین عمل نزد خداوند می‌باشد چون نشان دهنده بالاترین مرتبه توحید در انسان است و ارزش هر عملی در اسلام با معیار توحید سنجیده می‌شود.

امیرمؤمنان علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: «إنتظرو الفرَجَ ولا تيأسوا من روح الله فإنَّ

أحبَّ الأعمالِ إلى الله عزَّوجلَّ إنتظارُ الفرَجِ مادامَ عليه المؤمن»

منتظر فرج باشید و از رحمت و دستگیری خداوند ناامید نباشید، همانا دوست داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل، انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند. (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۱۶).

فرج یعنی گشایش و راحتی و در گرفتاری‌ها معنا دارد، کسی که گرفتاری ندارد، فرج برایش بی‌معناست، چون فرج به معنای رفع گرفتاری است، انتظار فرج یعنی امید به رحمت خداوند در گرفتاری‌ها و هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی‌تر باشد انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می‌شود، به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند مبعوض ذات مقدسش می‌باشد، انتظار فرج محبوب اوست و چون آن یأس به شرک منتهی می‌شود، مبعوض‌ترین عمل در نزد خداوند است و انتظار فرج که ضد آن است، محبوب‌ترین اعمال در پیشگاه خداوند به شمار می‌رود. (بنی‌هاشمی، سلوک منتظران)

در احادیث متعددی از معصومین علیهم‌السلام قیام کننده از اهل بیت که انتظار ظهورش از ارکان دین به شمار آمده دقیقاً معرفی شده است.

به عنوان نمونه از حضرت جواد علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند:

«إِنَّ الْقَائِمَ، مِمَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَةِ»

همانا قیام کننده از ما همان مهدی علیه‌السلام است که انتظار او در غیبتش واجب است.

(کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶ ح ۱)

همچنین در روایات بسیاری علاوه بر اصل انتظار فرج و فضیلت و ثواب آن، توصیه شده که برای فرج آن مولای غائب از نظر دعا کنید، از جمله از حدیثی از حضرت مهدی علیه‌السلام برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست. (منتخب‌الأثر، ص ۲۶۸)

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «المنتظر لأمرونا كالمتشحط بذمه في سبيل الله»

کسی که منتظر امر ما (دولت و حاکمیت) باشد همچون کسی است که در راه خدا به

خونش غلطیده باشد. (بحار‌الأنوار، ج ۵۲)

انتظار فرج نشانه کمال جویی ماست و دعا برای فرج، گواه عشق ما به عدالت و ایمان و حق است. از زمان امامان معصوم (علیهم‌السلام) فرهنگ انتظار در میان شیعه رواج داشته و امید داشتند که آن مهدی موعود را شاهد باشند و یاری کنند، انتظار ما را از یأس می‌رهاند و به تلاش و زمینه‌سازی وامی‌دارد. (جواد محدثی، زندگی مهدوی)

انتظار از منظر سایر ادیان

اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح بزرگ جهانی در بین ادیان جهان به عنوان یک امر مسلم و قطعی مطرح است.

هر یک از انبیای گذشته و رهبران مذهبی به پیروانشان از آمدن مصلح غیبی و تشکیل حکومت واحد جهانی بشارت داده‌اند، هر ملتی و مذهبی او را به لقب مخصوص می‌شناسد، در این بخش سعی بر آن است عباراتی از کتب مقدس ادیان بزرگ را که بشارت ظهور منجی در آخرالزمان در آنها آورده شده و تطبیق با امام دوازدهم علیه السلام می‌نماید بررسی شود.

مهدویت در دین مسیح

مسیحیت یکی از ادیان عالم است که توسط یک رهبر تاریخی با بینش روحانی عظیم (حضرت عیسی بن مریم) پایه‌گذاری گردید و تعالیم آن، گروه کثیری از مردم را جذب نموده است. مسیحیت نیز مثل سایر ادیان زنده جهان از آسیا نشأت گرفته است، اما گسترش تاریخی و دایره نفوذ آن به طور عمده در مغرب زمین بوده است، کتاب مقدس مسیحیان شامل کتاب عهد عتیق و عهد جدید است که در قرن اول کیسای مسیحی به رشته تحریر درآمده است. (ادیان زنده جهان، ص ۳۳۵-۳۳۶).

کتاب عهد جدید مرکب است از انجیل‌های قانونی چهارگانه (متی - لوقا - مرقس - یوحنا) و ۲۳ کتاب و رساله که اغلب آن‌ها نامه‌های پولس رسول به افرادی مختلف است.

این کتاب مورد اعتماد جهان مسیحیت است. (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۲۲-۱۲۳)

حضرت مسیح علیه السلام بنابر اعتقاد مسلمانان از پیامبران اولوالعزم الهی است که برای تکمیل دین پیامبر قبلی (حضرت موسی علیه السلام) و زمینه‌سازی پیامبر بعدی (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) به رسالت مبعوث شد، ایشان در انجام رسالت خود با موانع بسیاری از طرف یهودیان روبه‌رو شد و سرانجام بنابر اعتقاد مسیحیان به صلیب کشیده شد و به اعتقاد مسلمانان خدای متعال او را به آسمان عروج داد تا برای مأموریت مهمی ذخیره کند.

در کتاب‌های مقدس مسیحیت بشارت‌هایی دربارهٔ موعود آخرالزمان آمده است که در این نوشتار در حد توان به بررسی چند نمونهٔ آن می‌پردازیم.

انا جیل گفتارهای فراوانی از مسیح را دربارهٔ ملکوت خدا نقل کرده‌اند، این سخنان ابعاد زیادی از آن را دربر دارد و معمولاً به صورت کنایه و تصریح مختصر است همراه با تأکید بر برخی اصطلاحات همچون پسر انسان.

اصطلاح ملکوت در انجیل مرقس ۱۴ مرتبه و در انجیل لوقا ۳۹ بار و در انجیل متی ۳۲ بار به کار رفته است، بعد از بررسی کلی این متن‌ها برای ما با کمال وضوح آشکار می‌گردد که ملکوت همان فرمانروایی است و ملکوت خدا عبارت است از فرمان خدا و حکومت خدا بر زمین. (به نقل از منجی به روایت اسلام و مسیحیت، ص ۱۳۲).

اکنون چند فراز از کتاب عهد جدید را که این اصطلاحات در آن آورده شده بررسی می‌کنیم. حضرت مسیح به شاگردانش فرمود: «هرگاه دعا کنید، گوید ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. ارادهٔ تو چنانچه در آسمان است در زمین نیز کرده شود. (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۳۲).

یعنی حکم خدا منتشر و ارادهٔ مشیت او بر زمین به دست بشریت اجرا شود، همانگونه که فرمان و مشیت او را فرشتگان در آسمان اجرا می‌کنند و این نیست مگر با عمل به دین خدا، فرمان‌های او و ترک ناپیدهای او طبق سخنان پیامبران و این همان اراده و مشیت اوست که در ملکوت آیندهٔ خدا محقق خواهد شد. (همان، ص ۱۳۳).

فرمان و ملکوت خدا جهانی است و ساکنان زمین همه باید از آن بهره‌مند شوند و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در ملکوت خدا خواهند نشست. (لوقا، باب ۱۳، آیه ۲۹).

در فرازهای دیگر دربارهٔ بعد جهانی بودن ملکوت می‌فرماید: «لیکن هر که تا به انتها صبر کند نجات یابد و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت ما شهادتی شود، آنگاه به انتها خواهد رسید. (متی، باب ۲۴، آیه ۱۳).

اجرای فرمان خداوند بر روی زمین و مملکت او از بزرگترین آرزوی محرومان و مستضعفان و اهل حق و مؤمنان بوده است که در طول تاریخ، گرسنگی و تشنگی کشیدند و تبعید شدند به قتل رسیدند، در انجیل متی دربارهٔ ملکوت خدا و اجرای فرمان خدادادی بر زمین چنین می‌گویند: «خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است، خوشا به حال ما تمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت، خوشا به حال علیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. (متی، باب ۵؛ آیه ۳-۵).

همانطور که قبلاً اشاره شد خداوند متعال در آیه ۵ سورهٔ قصص و آیه ۱۰۵ سورهٔ انبیا نیز به وراثت صالحان و مستضعفان روی زمین اشاره فرموده‌اند:

از بررسی همین چند فراز از اناجیل معلوم می‌شود که دولت امام زمان علیه السلام همان ملکوت خدایی است که حضرت مسیح بدان بشارت داده، خود حضرت مسیح علیه السلام در آسمان است و منتظر بازگشت مجدد خویش است تا در ملکوت خدایی، به امام مهدی علیه السلام بپیوندد و نقش خود را در برپایی دولت الهی ایفا کند. دولت مهدی علیه السلام در پایان دنیا و از آن صالحان و مستضعفان است، ملکوت خدا نیز در پایان روزگار به مسیح علیه السلام وعده داده شده و از آن نیکان و رنج دیدگان و فقیران است، عدالت خداوندی در دولت مهدی علیه السلام و ملکوت خدایی پیاده می‌شود. (منجی به روایت ... ۲۱۰-۲۱۱).

کتاب بشارات عهدین یکی از کتبی است که نویسندهٔ آن بشارات‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتب ادیان مطرح جهانی را در آن گردآوری کرده است.

در بشارت ۳۲ این کتاب آمده است «بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند» این وحی بشارت از یک عصر درخشان و سعادت

عمومی جهان می‌دهد که عالم انسانیت حیات نوینی یافته و نتیجه و هدف انبیای الهی به تمام معنی آشکار گردد و آثار دعوت پیامبران همچون سیل جهان را پر کند. (متی، ۲۶، ۱؛ بشارت عهدین، ص ۲۴۵).

در مکاشفات یوحنا از منجی بشریت در آخر زمان به عنوان آنکه غالب آید و احکام الهی را نگهدارد معرفی نموده که با تأیید حضرت الهی با عصای آهنین بر تمام ملل حکمرانی خواهد کرد «هر که غالب آید و احکام مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر تمام امت‌ها قدرت خواهم بخشید تا ایشان به عصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه‌های کوزه‌گر خرد خواهند شد چنانکه من نیز از پدر خود یافته‌ام و به او ستاره صبح را خواهم بخشید. (مکاشفه یوحنا، باب ۲، آیه ۲۹-۲۶).

از نظر روحانیون مسیحی مورد بشارت خود حضرت مسیح ﷺ است که در زمان آخرین از آسمان فرود می‌آید و زمام امور بشریت را در دست می‌گیرد و از نظر روایات اسلامی فرود عیسی ﷺ مسلم است اما به عنوان همراه و یاور در قیام جهانی حضرت مهدی ﷺ قیام منجی بشریت، قیام آهنین و با شمشیر خواهد بود که بشارت فوق مؤید آن است. (بشارات عهدین، ص ۲۶۱، ۲۶).

نویسنده کتاب بشارات عهدین می‌گوید «مفسران انجیل معتقدند که شخص مورد بشارت در این آیات تا کنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آن موکول به آینده است. ولی با نظر اجمالی و دقیق معلوم می‌شود مورد بشارت بزرگ‌ترین مولود عالم انسانی است که برای مدتی از انظار پنهان گردیده و بعد از مدت نامعلومی از پس پرده غیبت ظاهر گشته و با عصای آهنین بر بشریت حکومت کند و تا هنگام ظهور مورد عنایت الهی است که فراز آخر آیات اشاره به این نکته دارد (بشارات عهدین، ص ۲۶۴، بشارت ۴۷).

در انجیل مرقس نیز در مورد انتظار فرا رسیدن صاحب خانه فرماید: «پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقدر نماید و دربان را امر نماید که بیدار بماند، پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد، اما آنچه به شما می‌گویم. به همه می‌گویم، بیدار باشید (مرقس، باب ۱۳؛ آیه ۳۷-۳۳).

در خاتمه این بخش سخنی از نویسنده منجی به روایت اسلام و مسیحیت نقل می‌نمایم «بیشتر علائم و پیش‌گویی‌هایی که در انجیل آمده، مربوط به پسرانسان است به تفسیر مسیحی، منظور پسر انسان، خود عیسی علیه السلام است اما بنا بر بررسی محققان در بسیاری از موارد منظور از پسر انسان حضرت مهدی علیه السلام است، این اصطلاح در زبان عبری «برناشا» است، بر به معنای پسر و ناشا دارای معانی زیادی است از جمله انسان، امام، عظیم، اما در ترجمه اناجیل همین معنای انسان برای این واژه انتخاب شده است. (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷).

مهدویت در دین یهود

دین یهود در میان ادیان از همه قدیمی‌تر می‌باشد. (هیوم، ۱۳۸۶؛ ۲۴۱)

پیامبر این دین حضرت موسی علیه السلام یکی دیگر از پیامبران اولوالعزم است. متون مقدس دین یهود شامل ۲۴ سند است که در سه گروه تحت عناوین قانون، پیامبران و نوشته‌ها، تقسیم‌بندی گردیده است. (همان، ۲۴۲).

در عهد عتیق مانند عهد جدید بشارت‌های فراوان راجع به مصلح و موعود آخرالزمان آمده است. یکی از کتب بخش عتیق، کتاب مزامیر (زبور داوود) است که شامل ۱۵۰ مزمور می‌باشد، به نقل یکی از نویسندگان، در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر صدو پنجاه گانه

نوید ظهور آن موعود اُمم و پیروزی صالحان بر شرارین و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان مختلف به یک دین موجود است. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰).

برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: و اما در مزمور ۳۷ آمده است: «زیرا شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران، خداوند وارث زمین خواهد بود هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حکیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید. (مزامیر، باب ۳۷؛ ۱۱-۹)

در کتاب اشعای نبی باب ۶۵ آیات ۲۵-۱۶ نیز بشارت از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اوضاع جهان در آن هنگام داده که از آسمان جز خیر و برکت نیارد و زمین جز منفعت و ثمر نیاورد و فساد گذشته تجدید نگردد. (بشارت عهدین، ص ۲۵۵، بشارت ۴۴).

آخرین دولت که عدل و سعادت عمومی ایجاد کند، با دستان مهدی آل محمد علیهم السلام تشکیل خواهد شد که همه ملل در اشتیاق و آرزوی او به سر می‌برند؛ او مورد انتظار جهانیان می‌باشد که خانه خدا را پر از جلال کند و آیین وی را در سراسر جهان منتشر سازد البته اهل هر دیانت و ملتی منجی بشریت را به عنوان پیشوای خود معرفی نمود و پیغمبر خود را حامل این لوا می‌پندارند. در کتاب حکمی نبی می‌فرماید: «و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت خواهند آمد، (حکمی (حجّی)، ۲؛ ۷)

دولت منجی در ظلمات جهل و بیدادگری تشکیل می‌شود و گروهی از اموات در عصر او رجعت می‌کنند و وقت ظهورش بر احدی معلوم نیست، مضامین فوق به این اشاره دارد که «او در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امت به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت حقارت و خجالت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک

خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الابد... و آن مرد ملبس یه کتان را که بالای آب‌های نهر ایستاده بود شنیدم که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشته به حیّ ابدی قسم خورد که برای زمانی خواهد بود و چون پراکندگی قوت قوم مقدس به انجام رسد آنگاه همه این امور به اتمام خواهد رسید. (دانیال؛ باب ۱۲، ۳-۱ و ۷)

در این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که در کتاب مقدس یهودیان وراثت زمین به بندگان صالح بشارت داده شده است و از دورانی سخن گفته شده است که به واسطه ظهور موعود، آرامش و امنیت بر جهان حکمفرما خواهد شد.

مهدویت در زرتشت

در میان تمام ادیان زنده جهان که به کتاب مقدس وابسته نیستند تنها دینی که نزدیک‌ترین ارتباط را با کتاب مقدس داشته دین زرتشتی است، این دین را به نام دین پارسیان نیز خوانده‌اند زیرا منشأ آن از پارس در سرزمین ایران بوده است، کتاب مقدس زرتشتیان اوستا نام دارد.

بسیاری از پیروان دین زرتشت این باور را پذیرفته‌اند که بر طبق متون مقدس و روایات، فرد (یا افرادی) در آخرالزمان ظهور کرده و آیین آنها را که دچار تغییر و تحویل و سختی بسیار می‌شود، احیا خواهد کرد. (ابراهیم، ۱۳۸۱؛ ص ۱۶).

در هزاره‌گرایی زرتشتی انتظار سه منجی بزرگ از نسل زرتشت به نام هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانس مطرح است. این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد و با ظهور سوشیانس جهان پایان می‌یابد. (آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۶).

از خصوصیات منجی‌ها و مخصوصاً سوشیانس در زمان ظهور، دلبستگی به نیکی و عدالت و پرهیزگاری و تصمیم‌واره برای ساختن جهانی نو بر پایه این اصول است. (ابراهیم، ۱۳۸۱؛ ص ۵۸).

در بخشی از کتاب آنها تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریت که در پایان جهان خواهد آمد چنین آمده است: «کی ای مزدا با مداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیر، با آموزش‌های فزایش بخش بر خرد رهاندگان، کیانند انانی که بهمن به یاریشان خواهد آمد از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیده‌ام ای اهورا» (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

در کتاب جاماسب در مورد دولت با سعادت مهدی و صلح بهایم و برافکندن ریشه ظلم و فساد و همچنین اجتماع عموم بشریت بر آیین اسلام و اینکه حضرت مهدی علیه السلام از پیروان اسلام است می‌گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و ... بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد و مردم بسیار شوند و ... و همه کس بدین مهر آزمای با آیند و جور و آشوب از این جهان برخیزد، چنان که فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد، این زندگانی که ما بدو اندریم. (بشارت عهدین، ص ۲۵۸).

کلمه مهر آزمای در کتاب جاماسب نام مبارک حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که در دولت با سعادت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله همه ملل به دین مقدس وی باز آیند مشاهده نمودیم که در منابع زرتشتیان سوشیانس فقر و تنگدستی را ریشه‌کن کند ایزدان را از دست اهریمن نجات دهد، عدل و داد برقرار کند، مردم جهان را هم فکر و هم دین و هم گفتار نماید، سوشیانس آیین زرتشت، همان مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است.

سبک زندگی از منظر اسلام و نقد رویکردهای مدرن

روشن است که پذیرش منفعلانه این گونه از الگوهای رفتاری برای جوامع مسلمان که خود در پرتو آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را ندارند درست نیست و باید با توجه به فرهنگ دینی خودبه سمت سبک زندگی اسلامی بروند به ویژه آنکه در دهه‌های اخیر تمدن سکولار غربی نشان داد که توان پاسخگویی به نیازهای چند بعدی انسان را ندارد.

با بازخوانی آموزه‌های اسلام و توجه و دقت در آن می‌توان به ظرفیت این آموزه‌ها برای فرهنگ سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب پی برد؛ زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این راستا قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه‌ی زیست مومنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند و در پرتو آیات آن، سیره‌ی پیامبرگرامی اسلام (نیز) به عنوان الگو و نمونه‌ی عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است، همچنین روایات و حکایات فراوانی از اهل بیت (در) اختیار جامعه‌ی مسلمانان قرار دارد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرایط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند.

همان گونه که بیان شد سبک زندگی به یک نوع شیوه‌ی زیستن و رفتار اجتماعی گفته می‌شود این شیوه می‌تواند در نظام‌ها و مکاتب مختلف با هم متفاوت باشد، به طور مثال: شیوه و سبکی که اسلام برای زندگی ترسیم می‌کند با روشی که امروزه در جوامع غربی و غیر اسلامی مشاهده می‌کنیم فرق می‌کند و می‌توان گفت: تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌ها در این نکته نهفته است که: «از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت و عواطف ارتباط مستقیم ندارد ولی از آن جهت که اسلامی است

نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد.» به همین خاطر در سبک زندگی اسلامی عمق اعتقادات و عواطف و نگرش افراد سنجیده نمی‌شود بلکه رفتارهای فرد سنجیده می‌شود، اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد باید دارای یک سری شناخت و عواطف اسلامی باشد. به طور مثال حتی رفتاری مثل نماز، اگر اعتقاد به خدا و معاد در آن وجود نداشته باشد رفتار اسلامی به حساب نمی‌آید و چنانچه می‌بینیم رفتارهای مرتاضان و صوفیان را رفتاری اسلامی نمی‌دانند. (محمد کاویانی: ۱۳۹۱؛ ص ۱۶)

نتیجه‌گیری

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است، اینکه هدف زندگی ما چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم و برای خودمان ترسیم کنیم به طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند لذا اگر ما در زندگی خود انتظار فرج را مهم‌ترین و برترین نظریه برای سعادت واقعی و همه‌جانبه‌ی انسان و آینده‌ی جهان بدانیم مسلماً سبک زندگی مان با افرادی که چنین دیدگاهی ندارند کاملاً متفاوت خواهد بود کسی که خود را حقیقتاً منتظر امام زمانش می‌داند، تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد، بنابراین انتظار باید قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود، از رفتار و کردار و نوع زندگی فرد فهمیده شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. آلوسی، محمدبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ترجمه: شمس‌الدین ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا
 ۲. آدلر، آلفرد، روانشناسی فردی، ترجمه: حسن زمانی ومهین بهرامی، تهران، پیشگام، ۱۳۶۱
 ۳. ابن بابویه، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷
 ۴. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال‌الدین وتمام‌النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، قم، سازمان چاپ ونشر دارالحدیث، ۱۳۸۰
 ۵. ابراهیم، علیرضا، مهدویت در اسلام ودین زرتشت، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۱۱۴. بوردیو، پیر، نظریه کنش، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش نگار، ۱۳۸۱
 ۶. بوردیو، پیر، نظریه کنش، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش نگار، ۱۳۸۱
 ۷. بنی‌هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات. منیر، ۱۳۸۲
 ۸. تامپسون، کنت ودیگران، دین وساختار اجتماعی، ترجمه: علی بهرامپور وحسن محدثی تهران، کویر، ۱۳۸۱
 ۹. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح‌الحیاء، چاپ شصت وهفتم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۱
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷
 ۱۱. ربانی خوراسگانی، محمد صادق، بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی علیه السلام در ایران معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸
 ۱۲. زمانی، احمد (رجبعلی)، اندیشه انتظار (شناخت امام عصر علیه السلام و چگونگی حکومت جهانی صالحان) قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه)
 ۱۳. صادقی، م، بشارات عهدین، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
 ۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، قم، مکتب آیت الله صافی، ۱۳۸۰
 ۱۵. کاویانی، محمد، سبک زندگی ابزارسنجش آن، چاپ اول، قم، چاپ سبحان، ۱۳۹۱
 ۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: هاشم رسولی وجواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴
 ۱۷. محدثی، جواد، زندگی مهدوی (اخلاق و اوصاف منتظران)، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۲
 ۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ ه. ق.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳
 ۲۰. ویلن، تورستین، نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشرنی، ۱۳۸۳
 ۲۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰

۲۲. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، علم، ۱۳۸۶
۲۳. هاشمی، باسَم، منجی به روایت اسلام و مسیحیت، ترجمه: محسن محتشمی نیا، تهران، آفاق، ۱۳۸۶
۲۴. هندری، لئوبی و دیگران، اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملا نظر، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱